



دوراندیشی و سماحت نظر لازم است



عبدالحسین آذرنگ*

ارشاد اسلامی است. آیا افزایش ممیزی‌ها می‌تواند سدی بر سر راه کتاب‌سازی باشد؟

من معنای متولی اصلی را نمی‌فهمم. همهٔ نهادهای دولتی و نظام قضایی در برابر تخلف و جرم مسئولیت دارند. اگر مقصود شما از ممیزی، سانسور است، به عرضتان برسانم که تجربه‌های جهانی نشان داده که سانسور در هیچ‌جا موفق نبوده است. سانسور خطرناک‌ترین مداخله در روند نشر است و نشر کتاب را به نابودی می‌کشاند. در باب خلاف کاران هم باید عرض کنم که در همه جای دنیا خوب بلدند موانع تخلف را دور بزنند. بهتر است در این خصوص پای نهاد ب خصوصی را به میان نکشیم. برای مقابله با پخته‌خواری، کتاب‌سازی و سرقت آثار دیگران، سیاست و روشی همه‌جانبه و همکاری گسترده‌ای لازم است که در حال حاضر موجود نیست.

یکی از عواملی که به کتاب‌سازی دامن زده، روش آموزشی در جامعهٔ دانشگاهی ماست که در مواردی پایان‌نامه‌ها کپی‌برداری است. به عقیدهٔ شما در این باره چه باید کرد؟ اصلاح نظام آموزشی از کجا باید آغاز شود؟

شماری از استادان به کار خود و به ضوابط علمی و پژوهشی تسلط ندارند؛ شمار دیگری وقت خواندن پایان‌نامه‌ها را ندارند؛ شمار دیگری حال و حوصله‌اش را ندارند؛ شمار دیگری چنان گرفتار کسب یک لقمه نان اند که به وظایف اصلی استادی خود نمی‌رسند؛ شمار دیگری به این نتیجه رسیده‌اند که در نظام دانشگاهی فعلی به استادی که برای پایان‌نامه‌های دانشجویان وقت و دقت صرف کند، یک «بارک‌الله» خشک‌وخالی هم نمی‌گویند و موارد دیگری از این دست. اگر اینها را کنار هم

همان‌گونه که مطلع هستید در دهه‌های اخیر مشکل کتاب‌سازی و پخته‌خواری بازار نشر را بشدت تهدید می‌کند. به عقیدهٔ شما، این مشکل چه علل و عواملی دارد و چرا مؤلفان و مخاطبان به چنین آثاری رغبت نشان می‌دهند؟

کتاب‌سازی با پخته‌خواری فرق دارد و علت‌های آنها هم یکی نیست. گمان نکنم بشود گفت «مؤلفان و مخاطبان به چنین آثاری رغبت نشان می‌دهند». احتمالاً مقصود شما چیز دیگری است. تا جایی که من خبر دارم، مخاطبان حرفه‌ای به محض آن که احساس کنند که نمی‌توانند به کتابی اعتماد کنند، آن را کنار می‌گذارند. آن دسته هم که حرفه‌ای‌ترند، زود درمی‌یابند که با کتاب روبه‌رو هستند یا با شیادی و کتاب‌سازی. کتاب‌سازی و پخته‌خواری علت‌های مختلفی دارد که در سال‌های اخیر تشدید شده است. تا وقتی که سامانه‌های ارزشیابی دانشگاهی و پژوهشگاهی و نقد و بررسی کتاب به وضعیت بهنجار بازنگردد، این مشکل حل نخواهد شد، باقی خواهد ماند و احتمال دارد تشدید هم بشود.

برخی مؤلفان مقالات دیگری را که حیات دارند در قالب کتاب به نام خود چاپ می‌کنند. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

این که می‌فرمایید سرقت علنی و رسمی است. اگر قانون حقوق مؤلفان و مصنفان درست اجرا شود و قاضیانی باشند که به حقوق تسلط داشته باشند، این نوع کارها را جرم تلقی خواهند کرد و ناگزیرند قانون را اجرا کنند.

متولی اصلی موضوع نشر در کشور ما وزارت فرهنگ و

* عضو شورای علمی دانشنامهٔ ایران



بگذارید، خودتان حتماً متوجه می‌شوید که چه به بار می‌آید. در باب اصلاح نظام آموزشی تا جایی که خبردارم، چندین و چند کار انجام شده است. حق است که این را از کسانی بپرسید که در این راه بیش و پیش از من و شما استخوان خرد کرده‌اند. بعضی از ناشران ما نیز رنگ کاسب به خود گرفته‌اند و برای بالا بردن امتیاز نشر، کارهایی بی‌ارزش را وارد بازار می‌کنند. به عقیده شما این موضوع چه ضررهایی به بازار نشر می‌زند؟ چگونه می‌توان جلوی آسیب‌هایی را که امروز دارد سلیقه مخاطبان را تنزل می‌دهد، گرفت؟

خوب است که حکم کلی صادر نکنیم. در میان ناشران ما همه‌جور روش و سلیقه‌ای هست. نشر هم مثل خیلی زمینه‌ها با مسائل و مشکلات خاص خودش روبه‌روست.

برای آنکه نشر کار خودش را بکند، اول از همه باید موانع را از سر راهش برداشت و در کارش مداخله غیر لازم نکرد. باید سعی کرد نشر به توازن طبیعی میان عرضه و تقاضا دست یابد و به موازات آن، نقد و بررسی در جامعه باید تا مرحله طبیعی خود تقویت شود. در چنان حالت طبیعی، نظام طبیعی نقد، نشر طبیعی را نقد می‌کند. در شرایط غیر طبیعی، هر اقدامی به قصد اصلاح، مداخله‌ای خواهد بود غیر طبیعی و یقین بدانید که به جای دیگری لطمه می‌زند.

آیا موضوع منشور اخلاقی نویسندگان راه به جایی خواهد برد یا حضور کارشناسان خبره در اداره امور کتاب لازم است؟

به نظر من نه؛ برای کتاب هیچ اداره‌ای لازم نیست. هر اداره‌ای با هر اساسنامه‌ای تشکیل شود، نتیجه‌اش دیوان سالاری است. برای کتاب و نشر، سیاست‌گذاری و سیاست‌های هماهنگ و برنامه‌های هماهنگ، دوراندیشی و سماحت نظر لازم است.

در سال‌های اخیر روند کتاب‌سازی در حوزه تصحیح متون بمراتب افزایش یافته و افرادی به این حوزه پرداخته‌اند که تخصص لازم را ندارند و هدفشان فقط کسب نام و نان است. به نظر شما برای جلوگیری از پیشرفت این روند، چه باید کرد؟

از شما می‌پرسم که این‌گونه افراد متون را برای چه ناشرانی تصحیح می‌کنند؟ گمان نکنم متون تصحیح‌شده را با سرمایه‌های شخصی چاپ کنند. اگر سفارش دهنده نمی‌داند مصحح از نظر علمی و تحقیقی چه کیفیتی دارد، پس اشکال

از جای دیگری است. در ضمن اگر نظامی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها حاکم باشد که آثار بی‌اعتبار اعضای خود را به منزله نمره‌های منفی در کارنامه‌های انتشاراتی و تحقیقاتی آنان به شمار آورند - نظامی که در بسیاری از نقاط جهان معمول است - آن وقت خواهید دید که از انتشار آثار بی‌اعتبار خودداری می‌کنند. از دانشگاه‌هایی خبر دارم که اگر استادی اثری بنویسد و منتشر کند که سه نقد علمی و تخصصی ثابت کند روش علمی و تحقیقی آن اثر بی‌اعتبار است - بحث بر سر محتوا نیست، بر سر روش و شیوه کار است - موقعیت دانشگاهی آن استاد به خطر می‌افتد. حیثیت‌های دانشگاهی در حقیقت به انتشار آثار معتبر وابسته است.

آیا دیجیتال‌سازی نسخ خطی می‌تواند در حوزه تصحیح این قبیل مشکلات را کاهش دهد؟

اصولاً روند دیجیتالی شدن اکنون اجتناب‌ناپذیر شده است. برای کشوری مثل ما، با این فرهنگ غنی و این همه آثار خطی، دیجیتالی شدن ضرورت بسیار مبرمی است. در این باره اصلاً نباید تردید کرد. هر قدر زمان بگذرد، اگر به سمت روند دیجیتالی شدن نرویم، به زیان ماست؛ اما دیجیتالی شدن متون به همه مشکلاتی که داریم پاسخ نمی‌گوید. مسئله خط فارسی، نایکدستی املاها و ضبطها، سامانه‌های بازبایی از متون و نظیر اینها، از جمله عواملی است که باید راه حل آنها را با همکاری و توافق گسترده به دست آورد و اینها اصلاً کار ساده‌ای نیست.

الحاق ایران به قانون کپی‌رایت تا چه اندازه در حل مشکل کتاب‌سازی تأثیرگذار خواهد بود؟

احتمالاً دیر یا زود ناگزیر خواهیم شد به قانون بین‌المللی حق نشر (کپی‌رایت) بیوندیم. با این حال، گمان نکنم این الحاق مانع کتاب‌سازی شود. کتاب‌سازی با رواج فرهنگی عمومی از میان می‌رود که محصول کاذب و بنجل را نپذیرد و پس بزند. اگر روزی ناشران کتاب‌ساز دریابند که کالاهای بنجلشان خریدار ندارد، خودشان تولید این جور کالاها را متوقف می‌کنند. حتماً متوجه مقصودم هستید. با فرهنگ به جنگ عیب‌ها و نقص‌ها باید رفت، نه با ایجاد دوایر و برقراری نظارت‌های دیوان سالارانه.

